

یک‌شنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۸ • ۲۰ رجب ۱۴۴۱ • ۱۵ مارس ۲۰۲۰

گزارش

گره کور فوتبال؛

با دندان هم باز نمی‌شود!

سید سرافرازان

پازل اشتباهات مدیران ورزش کشور و فدراسیون فوتبال در حال کامل شدن است. از اسانسمای که این روزها به موضوعی برای دعوا، اختلاف و از خجالت هم درآمدن دست‌اندرکاران فوتبال ایران تبدیل شده تا مشکلات عیدیه دیگر که فوتبال را به چهار میخ بی تدبیری و بی توجهی کشیده است. حال و روز فوتبال ایران عین حال و روز مردمی است که در بیم امید آینده به سر می‌برند که آیا راه نجاتی هست یا خیر؟

تخم لق دخالت در فوتبال

دخالت و اعمال نفوذ مدیران وزارت ورزش در سال‌های گذشته و ادامه‌ی این موضوع تا امروز بلایی سر ورزش جذاب و دیدنی فوتبال آورده که باید وزیر ورزش از فیفا و رئیس آن خواش و التماس کند که اجازه دهد کما فی‌السابق با همان اسانسمای نیم بند انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال برگزار شود چون شرایط کشور به دلیل شیوع بیماری کرونا چندان مساعد نیست و برای انجام برسی و مطالعه بیشتر فرصت چندان‌ی وجود ندارد. موضوع دخالت دولت از طریق وزارت ورزش در فوتبال که قرار بود تشکیلاتی مجزا و مستقل از وزارت ورزش داشته باشد باعث شده که فدراسیون فوتبال برای کوچکترین تصمیم گیری‌ها هم با وزیر ورزش هماهنگ باشد.

حرف و حدیث های زیادی که امروز در اطراف برخی از تیم‌های فوتبال لیگ برتری وجود دارد و عدم پاسخگویی صادفانه فدراسیون فوتبال به این مسئله همه و همه نشأت گرفته از دخالت غیر ضروری و غیر قانونی دولت در امور اجرایی فوتبال است.

اسانسمای با اختلاف نامۀ

در روزهای اخیر نصیر زاده در هر برنامه‌ای حاضر شده با مهمان دیگر همان برنامه بر سر موضوع اسان‌نامه فدراسیون فوتبال به اختلاف خورده است.

حتی با افرادی که به صورت تلفنی هم با برنامه تلویزیونی و رادیویی تماس گرفته هم اوضاع بر همین اساس بوده، نصیرزاده به عنوان کارشناس و کاتب اسانسمای فدراسیون فوتبال می‌خواهد به دیگران بقبولاند که این اسانسمای ایرادی ندارد و آن‌هایی که آن را مشکل‌دار می‌پندارند شناخت چندان‌ی مفرات و قوانین بین‌المللی فوتبال ندارند. آخرین کسی که با نصیرزاده به جنگ و جلد پرداخت سعید آذری مدیرعامل فولاد خوزستان بود.

البته نصیر زاده آذری را به موج سواری روی بیانیه فیفا متهم کرد و از او سوال کرد تا دیروز کجا بودی که امروز مدعی شده است. به هر حال آقای نصیرزاده باید به جای عصبی شدن و دعوا کرد باید خیلی راحت بپذیرد که اشتباه کرده و او مرد همه چیز دان فوتبال ایران نیست.

سرمریگری تیم ملی

موضوع بعدی برای فدراسیون پر حاشیه‌ی فوتبال چگونگی انتخاب سرمربی تیم ملی فوتبال است. وقتی ویلموتس بلژیکی با شکست از هدایت تیم ملی سرباز زد مهدی تاج رئیس وقت فدراسیون فوتبال با قاطعیت از انتخاب کسی مربی داخلی برای هدایت ملی‌پوشان ایران گفت، حتی مذاکراتی هم با چند گزینه داخلی صورت گرفت، بالا گرفتن بیماری قلبی تاج او را از ادامه‌ی راه در فدراسیون فوتبال بازداشت و کار به حیدر بهاروند به عنوان سرپرست فدراسیون فوتبال رسید، ایشان هم از امیر قلعه‌نویی به دایی به عنوان گزینه‌های سرمریگری تیم ملی فوتبال ایران نام برد بعدها دایی از سوی وزارت ورزش رد شد و قلعه‌نویی از تعهداتش به سپاهان صفهان گفت تا دست فدراسیون فوتبال در پوست گردو بماند.

ولی هیچکس باور نمی‌کرد که فدراسیون پنج ستاره‌ی فوتبال ایران از کی‌روش پرتغالی به دراگان اسکوچیچ کروات برسد به هرحال بازمی‌که رفتار عجیب دیگر از فدراسیون فوتبال رقم خورد تا بدانیم در روی همان پاشنه می‌چرخد که سابقا می‌چرخید.

البته آقایان برای حفظ حمایت هواداران از تیم ملی دست روی کریم باقری گذاشته‌اند تا او به عنوان دستیار کنار اسکوچیچ باشد حتی قرار است برای تعادل موازنه آبی و قرمز سهراب بختیاری‌زاده هم به جمع دستیاران اسکوچیچ اضافه شود. در فوتبال ایران رفع تکلیف و غدغه‌های هواداران استقلال و پرسپولیسی خیلی مهم‌تر از آینده و افق روشن برای فوتبال ایران می‌باشد. طلوع پشت طلوع اتفاق می‌افتد تا فوتبال ایران در تارک فوتبال جهان بدرخشد قمرکمان باشد.

مالیات هزار میلیاردی فدراسیون فوتبال

در این وانفسای مشکلات خبر بدهکاری مالیاتی فدراسیون فوتبال گل بود به سبزه هم آراسته شد. تمامی این اتفاقات و حوادث یک دلیل مشخص دارد و آن عدم توجه به مشکلات ریشه‌ای و پاک کردن صورت مسئله است. مدیران فدراسیون فوتبال در تمام این سال‌ها هرگاه مورد نقد قرار گرفتند منتقدان را به تخریب و دشمنی متهم کردند هرگز اجازه ندادند اد‌مه‌ای دلسوز و کاردار به فدراسیون نزدیک شوند حتی برای مشاوره و راهنمایی‌هایی شفاهی. جمع کردن افرادی به ظاهر دوست و همراه که شناخت دقیقی از مسائل مهم و فراموش شده در مدیریت فوتبال ایران نداشتند کار را به جایی رسانده که فدراسیون فوتبال به یک جزیره صعب‌العبور برای اهالی فوتبال تبدیل شود. کاش میشد برای یکبار هم شده دوستانی که در این اتفاقات مقصر اصلی هستند.

حمیدرضا عوب

بازیکنان استقلال انتظار می‌کشند که هرچه زودتر وعده باشگاه در پرداخت بخشی از مطالبات آنها عملی شود. وقتی ابتدا فرهاد مجیدی و بعد از آن رویا غفوری با فتح‌الله‌زاده دور یک میز نشستند و قول گرفتند که مبالغی از دستمزد خود را تا قبل از پایان سال۹۸ دریافت کنند شاید تصور این بود که به واسطه حضور دوباره علی فتح‌الله‌زاده در باشگاه این وعده خیلی زود عملی شود اما حجم بدهی‌ها و مشکلات اقتصادی به حدی است که حالا نه تضمینی برای پرداخت مبلغی به بازیکنان تا قبل از پایان سال وجود دارد و نه پرداخت بخشی از مطالبات بجا مانده به خارجی‌ها و تسویه برخی پرونده‌ها که رقمی در حدود یک میلیون و ۲۰۰هزار دلار است. این وضعیت در روزهای اخیر نه تنها نگرانی بازیکنان را به دنبال داشته بلکه، شایعاتی درباره کناره‌گیری قریب الوقوع علی فتح‌الله‌زاده را نیز در فضای رسانه‌ای دست به دست کرده و هیچ بعید نیست که سرپرست باشگاه استقلال زودتر از آنچه تصور می‌شد از ادامه همکاری با این باشگاه انصراف دهد.

سکوت چند روز اخیر فتح‌الله‌زاده نیز مزید بر علت شده تا این شایعه رنگ واقعی‌تری به خود بگیرد اما مسأله دیگری هم هست که آقای سرپرست را آزار می‌دهد. فتح‌الله‌زاده در روزهای اخیر با بیماری شدید مواجه شده و به دفعات با دکتر مراجعه کرده و حتی یکی، دو شب را هم در بیمارستان سپری کرده است. البته بیماری او کرونا نیست و سرپرست استقلال به ویروس آنفلوآنزا دچار شده است. این بیماری به کلی سرپرست استقلال را خانه‌نشین کرده تا او حتی به تماشای تلفن خود نیز پاسخ ندهد و این دوران سخت بیماری را پشت سربگذارد.

حال بد جسمانی فتح‌الله‌زاده البته بی‌شابهت به حال این روزهای استقلال نیست. باشگاهی که

فرشاد کاس‌نژاد

اصلاح اسانسمای فدراسیون فوتبال و آیین‌نامه انتخابات به یک عملیات در آینده تبدیل شد، اصلاحاتی با تاریخ نامعلوم. کمیته تدوین مقررات فدراسیون فوتبال باید اسانسمای و آیین‌نامه جدید را بنویسد و بعد مجمع فدراسیون فوتبال برگزار شود. شیوع ویروس کرونا دلیلی است که برای برگزار نشدن مجمع فدراسیون فوتبال و تصویب اسانسمای جدید مطرح شده، در حالی که برگزاری آنلاین جلسه چندان دشوار نیست و اعضا می‌توانند پس از مطالعه اسانسمای جدید نظرات خود را به فدراسیون بفرستند تا برای تصویب آن رأی بدهند. اصلاح اسانسمای هم چندان حکایت پیچیده‌ای نیست و هشدارهای فیفا روشن است. فیفا در چند خط تمام درخواست‌ها را برای اصلاح ارائه کرده، کوتاه و گویا. اصلاح آن نکات یک عملیات پیچیده حقوقی نیست و در فرصتی کوتاه قابل اجراست، مگر آنکه حالا به دلایلی عجیب فدراسیون فوتبال دوست داشته باشد این کار را با تأخیر طولانی انجام دهد یا به شیوه‌ای اسانسمای جدید را بنویسد که باز هم فیفا آن را نپذیرد.

فیفا از حذف موضوع تأیید صلاحیت‌ها، حذف آن بندی که نامزدها را مکلف به دریافت ده رأی اعتماد می‌کند، حذف مواردی مثل ۵ سال سابقه مدیریت برای پذیرش نامزدها در انتخابات و البته اصلاحات دیگری مثل ساختار کمیته انضباطی و کمیته استیناف حرف زده و اینها موارد شفاف‌ای است که می‌تواند فدراسیون فوتبال و پیش از آن انتخابات را با تغییرات اساسی مواجه کند.

عجیب است که هیچ مسئولی از فدراسیون فوتبال درباره نیاز به ابطال ثبت‌نام‌های پیشین در انتخابات و نام‌ویسی مجدد نامزدها در آینده و پس از اصلاح اسانسمای و اصلاح آیین‌نامه انتخابات حرف نمی‌زند و انگار گرایش پنهانی وجود دارد که با نامزدهای پیشین انتخابات آینده را برگزار کنند. فدراسیون باید شفاف این موارد را

کرونا‌ی بی‌پولی در استقلال



بعد هزینه سال‌های قبل شده که باشگاه استقلال با بدهی‌های بزرگی به شفر، ساشا شفر، جباروف، دو وکیل خارجی، هزینه پرونده سوپر جام، باشگاه باختاکور و برخی موارد دیگر مواجه است و سؤال بزرگی که لاینحل مانده این است که چرا با این حجم از مبالغ پیش‌خور شده باشگاه استقلال همچنان بدهکار است؟!

پاسخ این سؤال را باید از مدیرانی همچون افتخاری و فتحی پرسید؛ مدیرانی که با وجود صرف بودجه سال‌های آتی بدهی‌های بسیاری از زمان مدیریت خود به بار آورده‌اند. به واقع باید برای افکار عمومی روشن شود که چه فعل و انفعالاتی در باشگاه استقلال رخ داده که با وجود صرف بودجه سال‌های آتی بدهی‌های بسیاری نیز که متعلق به سال‌های گذشته است همچنان باقی مانده تا مدیریت فعلی با یک بحران بزرگ مواجه شده و نداند با این دایره از بدهی‌ها و دیون چه کند.

اگر بخوایم نگاهی واقع‌بینانه به ماجرا کنیم پرداخت بدهی‌های اخیر نه کار خلیل‌زاده است و نه کار فتح‌الله‌زاده، بدون شک برون رفت از این چالش عظیم نیاز به یک اقدام ملی دارد و شاید

آزمون اعتماد در فدراسیون فوتبال



روند اصلاح اسانسمای و آیین‌نامه انتخابات در فدراسیون فوتبال شفاف پیش برود و زمانی که برای اصلاح اسانسمای و آیین‌نامه می‌خواهند، منطقی باشد. فدراسیون فوتبال برای جلب اعتماد باید شفاف از حذف موضوع تأیید صلاحیت‌ها بگوید، از شفافیت در تغییر ساختار کمیته انضباطی و کمیته استیناف. اما خبری نیست و فقط در کلی‌گویی‌ها از اصلاح اسانسمای حرف می‌زنند. با توجه به سوابق فدراسیون فوتبال دست‌کم در یک دهه اخیر و کوتاهی‌ها در اصلاح اسانسمای و انتخاب شیوه شفاف و آزادانه برای انتخابات، دشوار است که تصور کنیم با طرافت تمام هشدارهای فیفا در اصلاحات تازه مورد نظر قرار می‌گیرند. این فدراسیون فوتبال است که باید صادقانه اعتمادها را دوباره جلب کند.

کارنامه اقتصادی مردود فدارسیون فوتبال

واگذار می‌کند. این گونه است که به عنوان نمونه در یک بازی به عنوان نمونه سه موسسه اعتباری همزمان با هم تبلیغ می‌کنند!

طبق اصول بازاریابی ورزشی، تبلیغات محیطی دور زمین مسابقات یکی از فضا‌هایی است که صاحب حقوق بازی‌ها در اختیار اسپانسرها یا شرکای خود قرار می‌دهد. تبلیغات دور زمین نباید مانند بیلبوردهای سطح شهر با یک مزایده به فروش بروند، بلکه باید بر اساس سطوح و بسته‌های حقوقی‌ای که در سلسله‌مراتب اسپانسرینگ طراحی شده‌اند، در اختیار پارتنرها قرار بگیرند. هر کدام از این اسپانسرها هم در گروه محصولی خود صاحب امتیاز انحصاری‌اند. اما حتی در اجرای این شیوه اشتباه هم فدراسیون نتوانسته خوب عمل کند و در برگزاری مزایده‌ها ابهامات زیادی وجود داشته است. باشگاه‌ها همواره از اینکه پولی بابت تبلیغات دور زمین دریافت نمی‌کنند گله‌مندند. فدراسیون در وصول درآمد این قراردادها هم همواره مشکل داشته و بعضاً کار به دعوای حقوقی هم کشیده شده است. حتی در این مدل فروش تبلیغات دور زمین هم اغلب این گونه بوده که فدراسیون امتیاز را نفروخته بلکه آن را واگذار کرده و درصدی از درآمد آن شرکت را گرفته است.

یک منبع درآمد تجاری مهم دیگر فروش حق تأمین تیم‌های ملی است. شاید اغراق نباشد اگر بگوییم این مورد مسافت‌ترین نقطه کارنامه اقتصادی فدراسیون قبلی است. با وجود تمام مشکلات در بازار ایران از جمله تعرفه بالای واردات و تحریم‌ها و عدم حضور رسمی بسیار از برندهای مطرح خارجی، با توجه به راهبایی به جام جهانی باز هم می‌شد از این راه درآمدی کسب کرد یا دست‌کم هزینه‌ای روی دست فدراسیون نگذاشت.

اما فدراسیون فوتبال نه تنها اسپانسری پیدا نکرد در آمدی از این راه بدست نیاورد، بلکه حتی مانند ادوار قبلی با این راه نتوانست مجانی لباس تیم‌های ملی را تأمین کند. فدراسیون فوتبال ایران به عنوان تنها فدراسیون حاضر در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه لباس‌هایش را از کمپانی آدیداس خرید! اگر فدراسیون مانند هر فدراسیون یا باشگاه دیگری بسته حقوقی حق تأمین پوشاک تیم‌های ملی را درست تعریف می‌کرد و برای فروش این بسته یک مزایده بین‌المللی برگزار می‌کرد، با توجه به حضور

شماره ۲۹۲۹

اخبار

اسانسمای‌ای که کاغذپاره شد

علی عالی

فوتبال در ایران صد چهره دارد؛ این آخری نامیدکننده و تحقیرآمیز بود. حس غارت در اعماق وجود فوتبال شکل گرفته است. نزدیک به یک دهه مدیران عالی فدراسیون فوتبال ایران پشت دست‌نوشته‌ای پنهان شدند که به بندهای آن دستبرد زده بودند.

دست‌نوشته‌ای با نام «اسانسمای» که نه اصالت داشت و نه هویت. اصالت و هویت را یک مرجع رسمی باید تأیید کند؛ مثل خانه، مغازه یا ماشین که اصالت و هویتش ثبت و برایش سند صادر می‌شود.

اصالت و هویت اسانسمای فدراسیون فوتبال ایران توسط سه مرجع رسمی تأیید می‌شود: مجمع فدراسیون فوتبال، دولت و فیفا. در این چند روز مشخص شد که این اسانسمای، نه از مجمع به تصویب اعضا رسیده است، نه دولت آن را مصوب کرده تا به مجلس ارسال کند و تبدیل به قانون شود و نه فیفا صحت آن را تأیید می‌کند، چون در نامه‌ای رسمی اعلام کرده نسخه فارسی با انگلیسی یکی نیست و بندهایش تناقض دارد.

این اسانسمای در حال حاضر «دست‌نوشته» است چون مراجع سه‌گانه تأییدش نکردند و «کاغذ پاره» است چون هوشنگ نصیرزاده چند شب پیش مقابل چشم میلیون‌ها بیننده پاره‌اش کرد و مستنداتی که به آن الصاق شده، نقد جدی وارد دانست. در تاریخ ایران چنین تقلبی را به خاطر ندارم، در فدراسیون‌های فوتبال دنیا هم این اتفاق بی‌نظیر است.

همیشه بغیر ما اسانسمای اصل بود اما حالا تبدیل به موضوعی فرعی شده و این پرسش مطرح است که شعیبدوبازان فوتبال ایران با چه شهامت، با چه جرأتی و با چه جسارتی حاضر شدند چنین هزینه‌ای را به فوتبال ایران تحمیل کنند؟

این وصله ناجور به فوتبال ایران وارد شد و اعتماد جهانی فوتبال ایران زیر سؤال رفته است. هرچه بیشتر به گذشته فکر می‌کنیم، بیشتر از آینده نگران می‌شویم. ما رسانه‌ای‌ها بارها نوشتیم و گفتیم، بارها از سوی فدراسیون به جانبداری و خط گرفتن متهم شدیم. بارها تهدید شدیم اما ما از قانون جانبداری کردیم و خوشحالی‌م دیوار پنهانکاری فرو ریخت و همه چیز شفاف شده است.

می‌شود درخواست کرد تا مقصران عدم تصویب اسانسمای در دولت مشخص شوند، می‌شود پرسید چه کسانی اسانسمای تقلبی برای فیفا ارسال کردند و می‌شود اصرار کرد مقصران عدم تصویب اسانسمای در مجمع چه کسانی هستند؟ دلیل این شتابزدگی عامدانه و این پنهانکاری با قصد قبلی چیست؟

حالا نهادهای نظارتی هستند و صورتحساب بلندبالای تخلفات. حالا نهادهای نظارتی هستند و ضربه مهلکی که به اعتماد عمومی وارد شده است.

دیگر وقت شانه خالی کردن نیست و باید پاسخ بسیاری از پرسش‌ها داده شود. سؤال اصلی این است: پاسخگوی این همه هزینه‌های مادی و معنوی فوتبال ایران کیست؟ اما درس مهم برای فوتبال ایران چیز دیگری است. بارها خواهیم از گذشته، هر قدر هم که وحشتناک باشد، تجربه‌ای بی‌بندوبی، سخت نیازمند آن خواهیم بود که این خاطرات را به یاد داشته باشیم و فراموش نکنیم. همه ارکان فوتبال در راستی‌آزمایی جدی قرار گرفتند.

هر فرد در جایگاه خود دارای مسئولیت مهمی است.

پاسداری از قانون و دوری از دخالت. پانی این اتفاق، دخالت‌های بی‌مورد در امور فوتبال بود و باید یاد بگیریم این مسیر نادرست را دوباره تجربه نکنیم.

لایبی کردن فقط این طرف مرزها جواب می‌دهد

فرهاد اشراقی

به جز فدراسیون فوتبال، وزارت ورزش هم خواستار برگزاری انتخابات فدراسیون یا همان اسانسمای قبلی شده بود که در نهایت فیفا برای دومین بار به ایران «نه» گفت تا مشخص شود که آنجا مثل اینجا نیست که با یک تلفن و یک خواهش و به بمبزم و تو بمیری همه چیز ردیف شود. ما بارها و بارها در همین فوتبال قانون را دور زده‌ایم، بارها و بارها AFC را گول زدیم که فلان امکانات استاندارد را داشتیم، اما نادانیم.

الان هم می‌خواستیم ماجرای اسانسمای را ماست‌مالی کنیم که خب نشد و فیفا در دو نوبت جلوی‌مان را گرفت تا بلکه از رو برویم!

واقعیت این است که اینجا دیگر پای فیفا وسط است و این‌طور نیست که فلان مدیر با نفوذ یا فلان مربی با یک تماس تلفنی ساعت و روز بازی را عوض کند.

خلاص‌اش می‌شود این که لایبی کردن در داخل جواب نمی‌دهد، ولی در عرصه بین‌المللی جواب نمی‌دهد و همین است که شما می‌بینید تیم‌های ایرانی هیچ موقع در لیگ قهرمانان آسیا به جایی نمی‌رسند و یا ۴۸ سال است که به المپیک نمی‌رسیم.

اینکه ما انتخابات فدراسیون فوتبال را چه زمانی برگزار کنیم خیلی مهم نیست، مهم این است که فیفا دوبار مچ‌مان را گرفته و صدبار دیگر هم می‌گیرد، ولی ما همان هستیم که قبلاً بودیم.

فلا اینجا ذهن‌ها درگیر کروناست و حرف فوتبالی هم که می‌شود همه یاد قرارداد ترک‌منچای‌گونه جناب ویلموتس می‌افتند که پول را گرفته و سه ماه است که دارد به سبیل همه ما می‌خندد.